

جشن دوهزار و پانصد ساله

نویسنده کتاب برای اینکه صفحات بیشتری به کتابش بدهد فتوکی های زیادی مربوط و نامربوط آنچه پیدا کرده ضمیمه نموده و در آنها عیبی جسته است از جمله می نویسد:

((بهائیان در جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران پانزده ملیون ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای تأسیس پنجاه باب مدرسه به دولت پرداخته اند)) .

پاسخ - عجیب است که این عمل خیر را عیب و گناه دانسته است . بهائیان در گذشته طبق تعالیشان که تعلیم اجباری است ، بیش از پنجاه مدرسه داشتند وقتی آن مدارس که به وجه احسن اداره می شد بوسیله دولت وقت بسته شد ، همیشه در آرزوی خدمتی به علم و فرهنگ ایران بودند و ساختمان این پنجاه مدرسه فرصتی برای تحقق این آرزو بود و مدارس برای روستاها بود که در عرف هر ملتی عملی خیر محسوب می شود و ارتباطی به حمایت رژیم ندارد .

کلمه توحید و نماز

در صفحه ۵۰۲ نویسنده کتاب ، از آواره در باره دعوی خدائی و ذکر الوهیت سؤال می کند که چه صورتی دارد ، آواره جواب می دهد:

کلمات او را بدست آورید تا این حقیقت بر شما معلوم شود . تا اینجا درست است . هر کس از گفتارش شناخته می شود ، چنانکه گفته شده: **ان آثارنا تدل علینا فانظروا بعدنا الی الاثار** . یعنی: آثار ما دال بر ماست بعد از ما به آثار ما بنگرید . یا به قول مرحوم بهار:

در سخن پنهان شدم چون بوی اندر برگ گل هر که می جوید مرا اندر سخن یابد مرا

اما به جای نقل آثار آئین بهائی ترجمه هائی نموده است که نشان می دهد معنی و مقصود کلمات را اشتباه فهمیده و درست ترجمه نکرده ، آنگاه بر پایه تصورات باطل خود حکم صادر کرده است . نوشته است:

((ادعای بهاء رجعت مسیح و رجعت حسینی است ، ولی درحقیقت ادعای آلوهیت است و چون کسی میانشان سال ها بماند به جائی می رسد که صریحاً می گوید بهاء خدای مطلق است و خالق آسمان و زمین و مرسل رسل است. و اوست که در طور با موسی کلیم تکلم کرده و حتی آن را در نماز خود تصریح نموده ولی در یک عبارتی که مگر یعرب بن قحطان بیاید عربی آنرا درست کند یا بفهمد زیرا چنین می گوید: (شهدالله انه لاله هو اله الامر و الخلق قد اظهر مشرق الظهور و متکلم الطور) در اینجا باید فهمید که فاعل اظهر کیست؟ و مفعول آن کدام؟))

پاسخ

اولاً ، آیه اوّل نماز را اشتباه نقل کرده است . کلمه (الا) را انداخته است که در معنی خیلی مهم است و یک الف جلوی (له) گذاشته که مفهوم را بکلی خراب کرده است . اصل آیه نماز این است:

((شَهِدَاللهُ اِنَّهٗ لالاهِ اِلٰهٗ هُوَ ، لَهُ الْاَمْرُ وِ الْخَلْقُ قَدْ اَظْهَرَ مَشْرِقَ الظُّهُورِ وِ مُكَلِّمَ الطُّورِ))
یعنی ، خداوند شهادت داد که نیست خدائی جز او ، امر و خلق برای اوست و هم او مشرق ظهور و مکلم طور را ظاهر کرد .

این آیه اوّل نماز: ((شَهِدَاللهُ اِنَّهٗ لالاهِ اِلٰهٗ هُوَ)) (۱) بزرگترین و بالاترین آیه توحید است و در قرآن در سوره آل عمران نازل گردیده و در ذیل آن در تفسیر کشف الاسرار نوشته است:

کلبی گفت: سبب نزول این آیت آن است که ، دو جبر(دانشمند) از احبار شام آمدند نزدیک مصطفی (ص) ، چون مصطفی را دیدند او را به آن وصف و نعت دیدند که خواننده بودند . گفتند: أنت محمد؟ - تو محمد هستی؟ گفت: آری من محمدم گفتند تو احمدی گفت: آری من احمدم گفتند: ترا از شهادتی پرسیم اگر ما را از آن خبر دهی و بیان کنی ، ناچار به تو ایمان آریم و بگرویم . رسول خدا گفت: پیرسید آنچه خواهید . گفتند: ((اخبرنا عن اعظم شهاده في كتاب الله عزوجل)) ما را خبر کن که کدام شهادت است بزرگوارتر و عظیم تر در کتاب خدای؟ جبرئیل آمد و آیه آورد ((شَهِدَاللهِ اِنَّهٗ لالاهِ اِلٰهٗ هُوَ)) خدای گواهی داد که جز او هیچ خدائی نیست . گواهی داد خود را به خود پیش از گواهی خلق او را . و به خبری دیگر می آید ، هر که این آیت برخواند و به

آخر گوید: ((وانا اشهدُ بما شهدَ اللهَ واستودعَ اللهَ هذهَ الشَّهادَةَ ، فهي لي عِندَ اللهِ وَدِيعةٌ)) یعنی، (شهادت خود را پس از شهادت خدا گوید و اقرار کند) روز قیامت این خواننده را بیاورند و ربّ العالمین گوید: ((ان لعبدی هذا عهداً و انا اُحقُّ من وافی بالعهد ، ادخلوا عبدي الجنة)) (۱)

گوید: این بنده را با من عهدیست و کیست از من سزاوارتر به وفاء عهد؟ فرود آرید بنده مرا به بهشت *

و در نماز بهائی این هر دو شهادت ذکر شده است * ابتدا در قیام خوانده می شود:

((شهد الله انه لا اله الا هو)) خدا گواهی داد که خدائی جز او نیست *

و در تشهد (نشستن) خوانده می شود: ((اشهدُ بوحْدانیتك و فردانیتك و بآ نك انت الله لا اله الا انت)) یعنی، من شهادت می دهم به وحدانیت و فردانیت تو و به اینکه توئی خدا و خدائی جز تو نیست * سپس خوانده می شود: ((قد اظهرت امرك و وقیت بعهدك و فتحت باب فضلك علي من في السموات و الارضين)) یعنی، امرت را آشکارا کردی و عهدت را وفا کردی و باب فضلت را به روی اهل عالم گشودی * این خطاب نمازگذار به خداوند است که بوسیله مظهر الهی نازل و فضل الهی شامل جمیع بشر گردیده و مانند ادیان سابق مخصوص یک طایفه یا یک ملت نیست * و اینکه نوشته است:

((در اینجا باید فهمید فاعل (اظهر) کیست و مفعول آن کدام؟))

فاعل خدا است و مفعول مظهر امر الهی و گوینده نمازگذار می باشد. مکلم طور تجلی الهی است نه ذات باری تعالی و این تجلی در زمان حضرت موسی در شجره طور بود و در زمان پیامبر اسلام در مشکاة قلب او و در ظهور باب و بهاء الله در وجود آنان متجلی گردید و در همه مانند پرتوی است از یک شمس در فصول مختلف، و در آینه های متفاوت * نویسنده کتاب (تاریخ جامع بهائیت)، مطالبی را که دوست همفکرش امان الله شفا از (سن پالن) برایش فرستاده در ۳۸ صفحه در صفحات ۵۱۸

تا ۵۵۶ درج نموده و خواسته اند با قیاس های نامربوط خود در ردّ دیانت بهائی مانند آواره و نیکو و صبحی تلاشی کرده باشند ، یعنی به جای ایجاد الفت و اتحاد بین مردم ، تخم بدبینی و نفاق بیفشانند و برای حصول و وصول به مقصود از هر گونه دروغ و افترا ، ابائی ندارند و از اصول و اهداف دیانت بهائی بی اطلاعند . در آغاز در عنوان: نوشته است:

((عصري که مدعیان پیغمبری چون علف می رویند)) اشاعه این قبیل افکار در سراسر عالم و رسوخ آن در میان افراد بیشتری از طبقات مختلف به علت تسهیلاتی که صنعت چاپ و چراید فراهم نموده ، تغییرات مهمی در افکار و روش عموم ، جمعی را بر آن داشت که از پیروان ادیان دست بردارند و علم مادیات صرفه را بپذیرند. این دسته رسماً خود ابراز عقیده نموده اند و خود را از مذاهب رسمی کنار کشیدند. بعضی هم صلاح دانستند سکوت اختیار کنند.

در این میان افرادی هم چه زن و چه مرد که از هوش و قدرت نفوذ در افراد برخوردار بودند و حس جاه طلبی هم داشتند ولی در اجتماع موفق به تأمین و ارضاء آن نشده بودند به فکر می افتند بازار شیادی بگسترند و با ادعاهای واهی و عناوین توخالی رابطه با خدا و وصول تجلیات و وحی و الهامات بردارند. عده ای ساده لوح و زود باور را که همیشه در همه جا به اندازه کافی یافت می شود دور خود جمع نمایند و از این راه نفوذ کرده و مزورانه و فریبکارانه به اهدافشان برسند. آنگاه گروه ها و فرقه هایی را برای مثال ذکر می کند که ادعا و پیروانی دارند ، خلاصه آنها چنین است.

۱- ژوزف اسمیت JOSEF SMITH در سال ۱۸۳۰ میلادی که مذهب MORMON را بنیاد نهاد.

۲- علم مسیحائی ، که مدعی آن خانی است امریکائی به نام بیکر ادی BAKER EDY که در سال ۱۸۷۷ کتاب و تعالیم خود را منتشر نموده است.

۳- ظهوریون ADVENTISTES که شخصی بنام میلر ۱۷۸۲ - ۱۸۴۹ از سن ۳۴ سالگی از مطالب انجیل چنین استنتاج کرد که مسیح در ۲۱ / ۳ / ۱۸۴۳ ظهور خواهد کرد.

۴- روحیون که پیامبر آن موسوم به ALLAN KARDEC می باشد در بین این سنوات ۱۸۰۴ و ۱۸۶۹ می زیسته سمت استاد دانشگاه نیز داشته است. در سال ۱۸۵۸ کتابی درباره اصول عقیده روحیون انتشار داده و اعلام می دارد که مطالب اشعاری ، از او نیست بلکه ارواح ، متن این کتاب را به او القا کرده اند . پیروان این شخص معتقدند که تشکیلات دینی نیست بلکه جمعیتی علمی است و در برزیل پیروان دارد.

۵- موعود جهانی ، که تاجری ژاپونی در سن ۵۳ سالگی در سال ۱۹۳۵ در ژاپن دعوی مأموریت الهی می نماید که خداوند او را برگزیده است تا در روی زمین بهشت موعود را تأسیس نماید. پس از بیست سال فوت کرده و اکنون رهبری پیروان بر عهده دخترش می باشد.

۶- خدایان ایرانی که می نویسد به علت دوری از ایران نتوانسته شواهدی از آنها جستجو کند و قضیه صوفی بخارائی را ذکر می کند که دعوی وحی و الهام نموده و جمعی را دور خود جمع کرده و موفق شد حاجی فیروزالدین میرزای افغانی حاکم هرات را بطرف خود جلب کند.

لشکری فراهم کرد تا با قشون دولتی جنگ کند به وسیله فتحعلی شاه قاجار کشته شد.))

پاسخ

هیچ یک از این فرقه‌ها ربط و تشابهی با دیانت بهائی ندارد. در این بین مطالبی از عظمت عالم و کهکشان‌ها و حیوانات ذره بینی و بشر کره زمین بیان می‌کند و می‌گوید:

((حالا شما فکر کنید این سه بلیون و کسری جمعیت انسانی موجود در کره ارض در برابر جهان بی انتها و موجودات آن چه اهمیتی دارد و چه تصویری از مرجعی که همه امور راجع به اوست می‌توانیم داشته باشیم تا چه رسد خود را مظهر او معرفی نمائیم. آیا تصدیق نمی‌کنید که این مدعیات بسیار سخیف و توخالی و مسخره آمیز است.))

اهمیت دین

پاسخ - این سخنان ساده و اظهار نظرهای سطحی نشان می‌دهد که نویسنده به دین و اصول و هدف اصلی آن توجه ندارد. هدف از دین تربیت و تعلیم بشر به آداب و اخلاق انسانی است چنانچه پیامبر اسلام فرمود: ((**بَعَثْتُ لَّا تَمُم مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ**)) و حضرت بهاءالله در لوح عهدی می‌فرمایند:

((مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلاها و انزال آیات و اظهار بیّنات اخماد نار ضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق افنده اهل عالم به نور اتفاق منور گردد و به آسایش حقیقی فائز گردد.))

پیامبر اسلام اعراب را که در جهل و نفاق بودند با تعالیم اخلاقی آنان را آشنا و تربیت نمود و از اشد کفر و نفاق نجات داد.

حضرت بهاءالله با تعالیم حیات بخش خود نفوسی که قبلاً یکدیگر را نجس می‌شمردند و واجب القتل می‌دانستند، چنان الفت و اتحاد ایجاد نمود که مانند یک خانواده شدند و دلهایشان را از کینه‌های دیرینه پاک نمود و مصداق آیه شریفه: ((**الْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ**)) و ((**وَلَكِنَّ اللَّهَ الْفَ بَيْنَهُمْ**)) (۱) گردیدند و الفت بین

قلوب بهترین و بالاترین پیام و رسالت مظاهر الهی است. در جامعه بهائی اکنون در

عالم از هر نژاد و ملت و قوم و دیانت، با کمال شوق و افتخار داخل شده و جامعه متحد جهانی را برای نمونه تشکیل داده اند. آمار اعلام شده در سال ۱۹۸۷ (۱) مراکز منفرد بهائی در ۳۴۶۹۱ نقطه جهان تمرکز دارد. ۲۵ موسسه مطبوعاتی بهائی در نقاط مختلف موجود و به امور فرهنگی و مطبوعاتی مشغولند. جامعه جهانی بهائی دارای ۵۹۸ مدرسه بهائی و موسسات آموزشی است. ۶۴۹ طرح اقتصادی و اجتماعی در نقاط مختلف دنیا وسیله بهائیان در حال اجرا است. و بالاخره مهاجرین بهائی در پست های بین المللی شامل ۶۳۹۴ می باشند.

برابر آمار سال ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ THE BAHAI' WORLD AN INTERNATIONAL RECORD

پیروان دیانت بهائی در سراسر عالم از هر رنگ و نژاد و قوم و قبیله بیش از پنج میلیون نفر می باشند. جامعه بهائی در ۱۷۹ کشور دنیا محفل روحانی ملی دارد. و در ۱۹۱ کشور بعنوان دین و آئینی مستقل رسمیت دارد و از قبیله های محلی ۲۱۱۲ قبیله پیرو آئین بهائی می باشند.

هر چه بشر در تمدن و علوم و صنایع پیشرفت کند، اگر فاقد اخلاق که ثمره دین است باشد، آشفستگی و هرج و مرجش بیشتر می شود. اما دینی که آلت دست شیادان دینی و سیاسی نگردد و مناسب با پیشرفت زمان باشد، نه دینی که تروریست و قاتل پرورد و وحشت ایجاد کند.

((اینکه آقای امان الله شفا نوشته است:)) (به علت تسهیلاتی که صنعت چاپ و جراید مهم نمود، تغییرات مهمی در افکار و روش عموم جمعی را بر آن داشت که از پیروی ادیان دست بردارند و علم مادیات صرفه را بپذیرند. و خود را از مذاهب رسمی کنار کشند. بعضی هم صلاح دانستند سکوت اختیار کنند.))

پاسخ - باید اندیشید که اگر گروهی دین را رها کنند و گروهی نیز سکوت کنند، آیا از هرج و مرج دینی جلوگیری می شود؟ و شیادانی که دین را آلت مقاصد سیاسی خود اختیار نمایند از عملیاتی که باعث کشته شدن گروهی و غارت اموالی می گردد دست خواهند کشید؟ یا جامعه اصلاح می شود؟ هرگز، بلکه باید روشنفکران و دانشمندان قدم پیش گذارند و عوام را از دین واقعی و حقیقی زمان آگاه کنند تا

جوانان در کسب علم و کمال و اخلاق و خدمت به عالم بشر پرورش یابند و آلت دست شیادان دینی و سیاسی نشوند و چنان مسحور خیالات واهی نگردند که در طیاره ای سوار شوند و خود و طیاره را با چند صد مسافر زن و مرد و کودک، به برج های نیویورک بکوبند و هزارها نفوس و برج ها را آتش بزنند و شیاد فرمانده از توفیق یافتن در اندیشه های شیطانی اش خوشحال شود و نام آن را جهاد در راه دین و کلید در بهشت گذارند. خودش علاقه به بهشت ندارد، می خواهد دیگران را به بهشت بفرستد. !!!

تعالیمی دیگر از دیانت بهائی

حضرت بهاءالله می فرمایند:

((اهل ثروت و اصحاب عزّت و قدرت باید حرمت دین را به احسن مایمکن فی الابداع ملاحظه نمایند.)) (۱)

((دین نوریست مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم، چه که خشية الله ناس را به معروف امر و از منکر نهی نماید. اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد، نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند، هر آگاهی بر آنچه ذکر شد گواهی داده و می دهد.)) (۲)

توصیه و توجه به دین می فرمایند، اما دینی که طبق وعود و بشارت کُتب مقدسه در این زمان ظاهر شده و به جای نجس دانستن دیگران و تنفر و قتل و غارت آنان که "عقیده ما را ندارند"، می فرماید: ((عاشروا مع الأديان كلها بالروح و الريحان كذالك اشرق نير الأذن و الأرادة من أفق سماء امرالله رب العالمين)) (۳) و احكام خشن گذشته را منسوخ فرمودند که حضرت موسی و یوشع در توراها گفتند: ما فقط برای نجات بنی اسرائیل آمده ایم و بقیه را قتل عام میکردند. (۴) حضرت مسیح فرمود: ((فرستاده نشده ام مگر برای گوسفندان گمشده بنی اسرائیل.)) (۵) و یا در اسلام به جای توصیه محدود در حدیث معروف:

۱ و ۲- لوح اشراقات ۳- لوح دنیا ۴- برای نمونه مراجعه شود به تورات سفر تثیبه ۱۳ / ۱۵ و صحیفه یوشع ۴۰ / ۱۰

۵- انجیل متی ۲۴ / ۱۵

((الْمُسْلِمُ مِنْ سَلِمِ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ)) یعنی ، مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او آسوده باشند . ((وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً)) (۱) و ((اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ)) (۲) یعنی: (فقط) مومنان برادرند بوده و شعر: بنی آدم اعضای یک پیکرند ۰۰۰ را سروده است ، تحت تأثیر همین تعالیم که مخصوص زمانش بوده گفته است:

سپاس دار خدای لطیف دانا را که لطف کرد و به هم بر گماشت اعدا را
همیشه باد خصومت جهود و ترسا را که مرگ هر دو طرف تهنیت بود ما را
و یا اینکه ، زرتشتیان و مسیحیان را دشمن خدا دانسته و گفته است:
ای کریمی که از خزانه غیب گبر و ترسا وظیفه خور داری
دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری

اما در لوح مقصود ، حضرت بهاءالله فرمود:
((ای دوستان سراپرده یگانگی بلند شد ، به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید ، همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار)) (۳)
و نیز فرموده اند: ((جمیع اهل عالم باید از ضرر دست و زبان شما آسوده باشند .))
و در لوح بشارات فرموده اند:

((لسان را به سبّ و لعن احدی میالائید و چشم را از آنچه لایق نیست حفظ نمائید ، آنچه دارید بنمائید ، اگر مقبول افتاد مقصود حاصل و الاّ تعرّض باطل ، زروه بنفسه مقبلین الی الله المهیمن القیوم سبب حزن مشوید تا چه رسد به فساد و نزاع ، امید هست در ظلّ سدره عنایت الهی تربیت شوید و بما اراده الله عامل گردید ، همه اوراق یک شجرید و قطره های یک بحر))
در همین لوح می فرمایند:

۱- قرآن ۳۶/۹ ۲- قرآن ۱۰/۴۹ ۳- دار در اینجا به معنی درخت است نه فعل . مرحوم کسروی (دارید) را فعل تصور کرده و جمله را نا مطلوب پنداشته است.

((چون در مذاهب قبل نظر به مقتضیات وقت حکم جهاد و محو کُتُب و نهی از معاشرت و مصاحبت با ملل و همچنین نهی از قرائت بعضی از کُتُب محقق و ثابت لذا در این ظهور اعظم و نبأ عظیم مواهب و الطاف الهی احاطه نمود و امر مبرم از افق اراده مالک قدم بر آنچه ذکر شد نازل نحمدالله تبارک و تعالی علی ما انزله فی هذا الیوم المبارک العزیز البدیع))

و در لوح مقصود می فرمایند: ((امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید)) و در لوحی دیگر: ((در جمیع احوال انسان باید متشبث شود به اسبابی که سبب و علت امنیت و آسایش عالم است)) (۱) و نیز می فرمایند: ((طوبی از برای نفسی که امروز به قصد اصلاح عالم سر بر فراش می گذارد و برمی دارد، بهترین اعمال محبت با اهل عالم است)) و نیز می فرمایند:

((یا حزب الله به خود مشغول نباشید، در فکر اصلاح عالم و تهذیب اُمم باشید، اصلاح عالم از اعمال طیبه و اخلاق راضیه مرضیه بوده ناصر امر اعمال است و معینش اخلاق)) (۲)

و در لوح عهدی می فرمایند: ((نوصیکم بخدمه الامم و اصلاح العالم)) توصیه به خدمت جمیع اُمم و اصلاح عالم شده، و حضرت عبدالبهاء می فرمایند: ((در هر دوری امر به اُلفت بود و حکم به محبت ولی محصور در دایره یاران موافق بود نه با دشمنان مخالف، اما الحمد لله که در این دور بدیع اوامر الهیه محدود به حدی نه و محصور در طایفه ای نیست، جمیع یاران را به الفت و محبت و رعایت و عنایت و مهربانی به جمیع اُمم می فرمایند.))

فرقه یزیدی

دنباله مذاهب مختلفه در صفحه ۵۳۶ با عنوان: ((فرقه گُرد یزیدی و تشابهات با بهائیت)) نوشته است:

((چون بین بهائیان و یزیدیان اشتراک مرام و مشابهت مسلک موجود است این تاریخچه را برای بیداری برادران اسلامی خود می نگاریم،

گرد یزیدی- از جمله اموری که این دو فرقه را به هم مشابه کرده انتظار استقلال و سلطنت است از هفتصد هشتصد سال است یزیدیان می کوشند که مشایخ خود را به سلطنت برسانند و بهائیان هم صد سال است انتظار سلطان بیان را دارند که هیچیک به جایی نرسیده است و نخواهد رسید»

پاسخ

اولاً - آئین بهائی هیچگونه شباهت و اشتراکی با مذهب یزیدی ندارد. بعلاوه، نه تنها دیانت بهائی مشایخی ندارد، و نمی خواهد کسی را به سلطنت برساند.

ثانیاً - هفتصد هشتصد سال کجا، صد سال کجا، این فاصله زمان را نمی شود با هم قیاس کرد که چون در صد سال اتفاق نیفتاده در هشتصد سال هم مانند یزیدی ها نخواهد بود. این نوع صحبت از سخنان بی حاصل است.

ثالثاً - در کتاب اقدس راجع به طهران بشارت است که: ((لَوِ يَشَاءُ يَبَارِكُ سَرِيرِكِ بِالذِّي يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ)) یعنی، اگر خدا بخواهد تخت تو را مبارک و مزین خواهد کرد به کسی که به عدل حکم کند و زمانش معلوم نشده، ولی علامت و کیفیتش معلوم شده و آن عدالت است. ذکر از بهائی بودن نشده. می فرمایند: ((يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ)) به عدالت حکم می کند. سپس می فرمایند: ((وَ يَجْمَعُ اَغْنَامِ اللّٰهِ الَّتِي تَفْرَقَتْ مِنَ الذَّنَابِ)) گوسفندان خدا را که بوسیله گرگ ها پراکنده شده اند، گردآوری خواهد نمود و هنوز زمانش نرسیده است.

رابعاً - دیانت مسیح بعد از سیصد سال در پادشاهی گنستانین که مسیحی شد ترویج یافت ولی در دیانت بهائی که رجعت مسیح است در این مدت قلیل بدون نیروی مادی، دو پادشاه: ملکه رومانی و پادشاه ساموآ مومن شدند، بدون شمشیر و خشونت، بلکه (به حرکت قلم اعلی) جریان یافته و اکنون در سراسر عالم از هر نژاد و ملت و مذهبی به آن گرویده اند.

خامساً - فرقه یزیدی یکی از هفتاد و چند مذهب اسلام است که وحدت اسلام را به تفرقه کشیده اند. ولی دیانت بهائی شریعتی مستقل است که طبق بشارات انبیاء گذشته و وعود کتب مقدسه برای وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و رفع اختلاف ادیان ظاهر گردیده است.

در صفحه ۵۴۰ از خشونت یزیدیان و بغض و کینه آنها گفته است ولی معلوم نیست که تا چه حد راست می گوید و درست می نویسد.
 آنگاه می نویسد:

((بهائیان نیز همان خشونت و کینه را دارند ولی به ظاهر به نیکی و محبت و حسن رفتار تظاهر می کنند))

و چند واقعه دروغ و تهمت را برای اثبات سخن باطل خود ردیف کرده از قبیل: واقعه شاهرود و یزد و آذربایجان، که توطئه ای بوده علیه بهائیان و در دادگاه ها بی گناهی بهائیان ثابت گردیده است. خشونت و کینه در احکام بهائی وجود ندارد.

در صفحه ۵۴۱ در عنوان (تشکیلات فرقه یزیدی و روسای ایشان) نوشته است:

((تشکیلات فرقه یزیدی تشکیلات مخصوص است برای هر امور مذهبی رئیسی است. هر کس به مقام مشیخت رسیده باشد الی یومناً هذا دارای مقام نبوت است. از روسای تشکیلات یزیدی پیر یا کاهن است و او کسی است که امور نماز و روزه و عبادات و مسائل متعلقه به آنها را در دست دارد. و یقین است شیخ اعلی سهمی از واردات مذهبی را به او می دهد))

و دیانت بهائی را شبیه فرقه یزیدی تصور کرده است.

پاسخ - تشابهی را که بین مذهب یزیدیان و بهائی نوشته، همه غلط و نادرست است.
 باید به اصل متون کتاب ها مراجعه کرد تا دانست که چقدر سخنان نامربوط است.
 در دیانت بهائی شیخ و رئیس وجود ندارد، محافل و بیت العدل جامعه را رهبری می کنند و آنها با انتخاب سرّی و آزاد همه افراد جامعه بهائی، انتخاب می شوند.
 عقاید و آدابی را به یزیدیان نسبت می دهد که معلوم نیست تا چه حد حقیقت دارد، سپس می نویسد: "مانند بهائیان"، ولی هیچیک از آنها در بهائیت و کتاب های بهائی وجود ندارد. مانند: کتمان عقیده (تقیّه) حلیت خمر، اعتقاد به هفت فرشته: ۱ عزرائیل ۲ میخائیل ۳ دردائیل ۴ اسرافیل ۵ زررائیل ۶ شمخائیل ۷ نورائیل و قربانی گوسفند و گاو و یا مرغ و خروس و بردن آن بر سر قبر اموات.

در صفحه ۵۵۳ نوشته است: (آخرین عقیده سخیفه یزیدی)
 ((یزیدی خواندن و نوشتن و تحصیل علم را حرام داند، زیرا این کار از خصائص خاندان روسای ایشان است و کسی دیگر حق ندارد با خط و سواد و کتاب سروکار پیدا کند، حتی روسا هم باید علمشان منحصر به کتب خودشان باشد و حق ندارند از علوم سایرین گفتگو کنند.

پاسخ - با مراجعه به آثار دیانت بهائی، نادرستی این تطابق روشن می گردد. در دیانت بهائی تعلیم و تربیت اجباری از اصول احکام است و در کتاب اقدس تعلیم فرزند را واجب فرموده اند و در لوح اشراقات چنین تأکید گردیده است:

((اشراق هفتم، قلم اعلی کل را وصیت می فرماید به تعلیم و تربیت اطفال و این آیات در این مقام در کتاب اقدس در اوّل ورود در سجن از سماء مشیت الهی نازل: ((کُتِبَ عَلٰی كُلِّ ابٍ تَرْبِیةَ ابْنِهِ وَ بِنْتِهِ بِالْعِلْمِ وَ الْخَطِّ وَ دُونَهُمَا عَمَّا حُدِّدَ فِی اللُّوْحِ وَ الَّذِی تَرَکَ مَا أَمَرَ بِهِ فَلَا مَنَاءَ اِنْ یَأْخُذُوْا مِنْهُ مَا یَکُوْنُ لَازِمًا لِتَرْبِیَّتِهِمَا اِنْ کَانَ غَنِیًّا وَ اِلَّا یَرْجِعُ اِلَیْ بَیْتِ الْعَدْلِ اِنَّا جَعَلْنَاهُ مَأْوٰی لِّلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسٰکِیْنِ))

مضمون فارسی می فرمایند: بر هر پدر، تربیت دختر (۱) و پسر به علم و خط و غیر آن واجب گردید و کسیکه این امر مهم را ترک نمود، بر امانت جامعه واجب است که اگر پدر کودک ثروتمند بود مخارج تحصیل را از او بگیرند، و اگر تنگدست بود به بیت العدل راجع و واجب می گردد (که از وجوه حقوق الله یا تبرعات دیگر پردازند) ما بیت العدل را پناهگاه فقرا و مساکین قرار دادیم.

در پایان، آداب و رسوم و نسبت هائی به مشایخ یزیدیان در باره ازدواج آنان داده و تذییل بر اراجیف خود به افترا پرداخته و آنرا با دیانت بهائی مطابق دانسته که انسان حیرت می کند از دروغ پردازی و افترا سازی نویسنده و شیوه نگارشش.
 لحن نگارش نویسنده حاکی از آنست که در دل کینه و غرض و بغض شدید از دیانت بهائی دارد و نتوانسته است آنرا پنهان کند:

۱- در اسلام با وجود آیه شریفه ((هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون)) روایت (طلب العلم فریضه علی کل مسلم) رایج بود. یعنی، طلب علم بر هر مرد مسلمان واجب است و دختران را شدیداً از تحصیل علم محروم می کردند. کشف الاسرار ۳ ص

چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد (۱)

در فصل پانزدهم (بهائیت و تشکیل کشور اسرائیل) از صفحه ۵۵۷ تا ۵۷۴ مدارک و مطالبی نوشته است که تقریباً نقل مطالب و مدارک درست است ولی جنبه دینی و اجتماعی دارد و ابدأً به سیاست ربطی ندارد.
در فصل شانزدهم از صفحه ۵۷۶ تا ۵۸۲ نوشته است:

لوح عهدی و الواح وصایا

((بهاء الله، پدر عبدالبهاء پیش از فوتش وصیت کرد که ابتدا عبدالبهاء و سپس پسر کوچکش محمد علی میرزا ملقب به غصن اکبر جانشین وی گردد. اما عبدالبهاء به آن وصیت عمل نمود. افزون بر آن عبدالبهاء این وصیت نامه را از بین برد و به جای آن وصایت نامه جعلی صادر کرد که بر جانشینی (شوقی افندی) حکایت داشت.))

پاسخ - طبق معمول اشتباهاتی چند در اظهارات نویسنده ردیه وجود دارد.
اولاً - حضرت عبدالبهاء وصیت نامه را که لوح عهدی بود از بین نبرد، بلکه آنرا اعلان نمودند و دستور چاپ و انتشار آنرا فرمودند و همه جا موجود است.
ثانیاً - برادر کوچکتر میرزا محمد علی غصن اکبر با اینکه پدرش حضرت بهاء الله در لوح عهدی که وصیت نامه بود و در آن توصیه شده بود که توجه و نظرشان به حضرت عبدالبهاء باشد که غصن اعظم است، نقض عهد نمود و بر علیه برادرش که مرکز عهد بود قیام کرد، خود را از فیض الهی محروم نمود و غصن اکبر تبدیل به حطَب اکبر شد.

ثالثاً - حضرت عبدالبهاء وصیت نامه را از بین نبرد. میرزا محمد علی شرایط لوح عهدی را عمل نکرد و خود را از شجره امر منفصل و محروم کرد و مشمول آیه شریفه:
((و ما ظلمنا هم و لكن ظلموا انفسهم)) (۳) گردید. یعنی، ما به آنها ستم نکردیم و لكن آنان به خود ستم روا داشتند.

رابعاً - حضرت عبدالبهاء برای حفظ جامعه از تشتت و تفرقه الواح وصایا را به خط

۱- مولوی ۳۳۵/۱ ۲- حطَب یعنی چوب خشک. بگفته سعدی: هر گیاهی که به نوروز نجنبند حطَب است.

۳- قرآن ۱۱/۱۰۳

خود نوشتند و شوقی ربّانی را ولی امرالله تعیین فرمودند. حضرت عبدالبهاء و شوقی ربّانی هر دو مبین آیات اند و مرکز وحی فقط حضرت بهاءالله بوده اند.

شمه ای از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء:

((ای احبّای الهی در این دور مقدّس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدّی محروم. باید با جمیع طوائف و قبائل چه آشنا چه بیگانه نهایت محبّت و راستی و درستی کرد و مهربانی از روی قلب نمود بلکه رعایت و محبّت را به درجه ای رساند که بیگانه خود را آشنا بیند و دشمن خود را دوست شمرد، یعنی ابداً تفاوت معامله گمان نکند زیرا اطلاق امریست الهی و تقیید از خواص امکانی، لهذا باید فضائل و کمالات از حقیقت هر انسانی ظاهر شود و پرتوش شمول بر عموم یابد، مثلاً انوار آفتاب عالمتاب است و باران رحمت پروردگار مبذول بر عالمیان، نسیم جانبخش، هر ذی روح را پرورش دهد و مائده الهی، جمیع کائنات حیّ را نصیب شود، به همچنین عواطف و الطاف بندگان حق باید به نحو اطلاق شامل جمیع بشر گردد. پس ای یاران مهربان با جمیع ملل و طوائف و ادیان به کمال راستی و درستی و وفا پرستی و مهربانی و خیرخواهی و دوستی معامله نمائید، تا جهان هستی سرمست جام فیض بهائی گردد و نادانی و دشمنی و بغض و کین از روی زمین زائل شود، ظلمت بیگانگی از جمیع شعوب و قبائل به انوار یگانگی مبدّل گردد، اگر طوائف و ملل سائره جفا کنند شما وفا نمائید، ظلم کنند عدل بنمائید، اجتناب کنند اجتناب کنید، دشمنی بنمایند دوستی بفرمائید، زهر بدهند شهد ببخشید، زخم بزنند مرهم بنهید، هذا صفّه المخلصین و سمه الصادقین))

صهیونیست

در فصل هفدهم صفحات ۵۸۳ تا ۵۹۷ با عنوان (حمایت متقابل صهیونیست از تأسیس مراکز جهانی بهائیت در دل اسرائیل و مثلث صهیونیسم، بهائیت، امپریالیسم) نوشته است:

((مناسبات بهائیان و صهیونیست ها تا آنجا جلو رفت که پای امپریالیسم را که حامی اسرائیل بود به ماجرا کشانید و این مثلث با ایجاد مراکز جهانی بهائیت درون اسرائیل انجامید. چگونگی این اتحاد را شوقی افندی

در نام های (نامه های) که به تاریخ ۷ ژوئیه ۱۹۵۰- م (۱۷ خرداد ۱۳۳۱) از طریق محفل بهائیان امریکا به محفل ملی ایرانیان نوشته است می خوانیم:

ترجمه رسمی بهائیان از تلگراف شوقی:

((بوسیله محافل روحانیه ی ملیه به عموم یاران ابلاغ نمائید که ساختمان مرحله ای ابتدائی مقام اعلی خاتمه یافت ، این بنیان که فراز آن گنبدی نصب خواهد شد سبب تزئین و حفاظت مرقد مطهر حضرت باب بر صفحه جبل کرمیل خواهد بود . در حینی که اراضی مقدسه از شدیدترین اضطرابات قرون اخیره و حمل و نصب قریب هشتصد تن سنگ و مرمر و موزائیک را ایجاب می کرد مقارن با حلول صدمین سال شهادت آن حضرت پایان یافت ۰۰۰))

پاسخ

این نامه که دو صفحه است و سپس نامه انگلیسی را که یک صفحه است نقل نموده همه مربوط است به بشارت و گزارش ساختمان مقام اعلی (مقبره حضرت باب) به بهائیان عالم ، جایی از آن مربوط به صهیونیسم و امپریالیسم نیست ، سپس تلگرافاتی را نقل نموده که هیچ یک ربطی به صهیونیسم و امپریالیسم در آنها نیست ، برای نمونه چند ترجمه تلگراف که نقل نموده است و در اندیشه خود ارتباط با صهیونیسم و امپریالیسم دانسته نقل می گردد:

((به یاران شرق و غرب مراتب ذیل را ابلاغ نمائید: قصر مزرعه مفروش و آماده می گردد و بیت تاریخی حضرت بهاءالله در عگا تعمیر و به صورت اولیه درآمده است ، این بیتی است که حضرت بهاءالله در آن مدتی مدید بلایای عدیده تحمل فرمودند و حضرت عبدالبهاء از طرف ناقضین امرالله به اشدّ صدمات مبتلا شدند ، موقوفات بین المللی بهائی در اراضی مقدسه در دو شهر عگا و حیفه توسعه ی زیادی یافته و حال شامل اماکن ذیل است: روضه مبارکه در مرج عگا و مقام اعلی در دامنه جبل کرمیل و در قصر بهجی و مزرعه و در بیت تاریخی محل سکونت حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و در محفظه آثار بین المللی یکی در مجاورت مقام اعلی و دیگری در جوار مرقد حضرت ورقه ی علیا و دو مسافرخانه های مخصوص زائرین شرق و غرب و دو باغ رضوان و فردوس که خاطراتی از ایام حیات شارع آئین مقدس را در بر دارد ، از مساعدت شورای بین المللی جدید التاسیس خصوصاً رئیس آن جناب میس ریسی (امریکائی) و معاون آن امه الله کالتر سرور موفور حاصل ، این شوری عهده دار ارتباط با اولیای امر است تا دایره ی نفوذ دو مرکز روحانی و اداری امرالله که مقرر دائمی آن در ارض اقدس قلب العالم است توسعه یابد و بنیانش مستحکم و صیت بزرگواریش منتشر گردد))

پاسخ - مطالب مذکور ربطی به صهیونیسم و امپریالیسم ندارد، گزارشاتی است که از وضع پیشرفت امر الهی و امور مربوط به آن به اطلاع بهائیان عالم می رسد. تشکیل شورای بین المللی که همه اعضای آن بهائی بودند و مقدم بر تشکیل بیت العدل اعظم آینده بود اعلام می گردد، کل جنبه روحانی دارد نه سیاسی. سپس ترجمه تلگراف زیر را نقل نموده است:

صورت تلگرام شوقی افندی به تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۱ میلادی به محفل ملی بهائیان امریکا: (ترجمه):

((پیدایش دولت مستقلی در ارض اقدس (اسرائیل) و تمرکز و تحکیم امور اداری آئین جهان آرای حضرت بهاء الله، اولین علائم و آثار آن تشکیل شورای بین المللی بهائی و ساختمان مقام اعلی است و لزوم توسعه اراضی اطراف روضه مبارکه جمال ابهی و مقام اعلی در کوه کرمل که برای حفظ آن بقاع متبرکه لازم است و اکنون بر اثر تغییرات عمده در دولت جدید التأسيس تملک آن میسر گردیده مستلزم قیام جدید و مساعدت مالی به وسیله تقلیل بودجه های ملی و محلی از طرف جامعه های بهائیان در شرق و غرب عالم فریضه ای است روحانی و میزان آن بسته به نظر نمایندگان منتخب جامعه است. سرعت و نحوه تکامل مرکز بین المللی اداری بهائی که به ارتفاع آخرین قسمت بنیان نظم جنینی حضرت بهاء الله منتهی و مکمل می گردد و موقوف به همت و اقدام بانیان برگزیده ی نظام بدیع بهاء الله است. امه الله میلی کالینز همکار ارجمند و نایب رئیس شورای بین المللی مشکلات خطیره کنونی مطرح قراردادهائی را که در دست تنظیم است به اطلاع شما خواهند رسانید، منظور از این قراردادها آن است که مشروعاتی را که در ارض اقدس (اسرائیل) برای حصول هدف های جلیل و مهم آغاز گردیده تسریع شود.))

سپس نقل نموده: ((این پیام را به عموم محافل ملّیه ابلاغ نمائید. شوقی))

جمیع این مطالب را از مجله ی (اخبار امری) بهائیان شماره ۳ که در تاریخ تیرماه ۱۳۳۰ منتشر شده نقل نموده است. این مطالب گذارشهایست برای جامعه بهائی از رویدادهای مربوط به ساختمانهای مذهبی و فعالیت های مربوطه که بطور آشکار در یک مجله عمومی انتشار یافته است. هیچ ربطی به سیاست و صهیونیست ندارد.

تلگراف شوقی افندی به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۱ میلادی به محفل ملی بهائیان امریکا:

((به محفل روحانیه ی ملیه در عالم بهائی اعلان نمائید که بر اثر مذاکرات دقیق و طولانی با وزرات دارائی و وزرات امور دینی و اداری شهرداری حیفا با اصل خرید اراضی به مساحت تقریبی بیست و دو هزار متر مربع به قیمت تقریبی یکصد و هیجده هزار دلار که در دامنه ی جبل کرمل و بر نقطه ی مشرف به مقام حضرت ورقه علیا و حواشی سمت شرقی مقام مقدس اعلی واقع است موافقت حاصل شد.))

سپس ابلاغیه زیر را نقل نموده است:

((ابلاغیه مبارک که توسط ایادی امرالله (لروی ایواس) طی مرقومه ی مورخه ۱ ژوئن ۱۹۵۴ به محفل روحانی بهائیان ایران:

((یاران عزیز بهائی: حضرت ولی امرالله به این عبد دستور فرموده اند این بشارت را به آن محفل ابلاغ نمایم مذاکراتی که هیکل مبارک از چندی قبل برای ابتیاع قطعه زمین واقع در رأس کرمل بالای مقام اعلی شروع فرموده بودند قریب به اختتام است.))

حضرت ولی امرالله در نظر دارند این اراضی را به نام شعبه ی محفل روحانی ملی بهائیان ایران در کشور اسرائیل ثبت نمایند. بطوری که اطلاع دارید از پای کوه کرمل تا مقام اعلی نه طبقه ساخته شده است که مستقیماً در امتداد خیابان کرمل قرار گرفته است، قطعه زمینی که اکنون در شرف ابتیاع است درست در رأس کرمل، در امتداد خیابان مزبور واقع شده و تملک آن سبب خواهد شد که در آتیه احدی نتواند مبادرت به ساختمان فوق بنای مقام اعلی بنماید.....))

به مجرد اینکه ابتیاع اراضی خاتمه یافت و اسناد رسمی دریافت گردید، حضرت ولی امرالله اسناد را برای ضبط در آرشیو آن محفل (طهران) ارسال خواهند نمود.))

با تحیات قلبیه معاون منشی لروی ایواس (۱)

جرائد و رادیو اسرائیل درباره دیانت بهائی

از نامه دکتر حکیم نقل نموده است:

((این ایام در اسرائیل جرائد چه به زبان عبری و چه به زبان عربی و چه انگلیسی مقالات مفصل راجع به دیانت بهائی و مقام اعلی درج می نمایند. ساختمان مقام اعلی هیجان غریبی بین مردم انداخته به طوری که همه روزه صدها نفوس از سیاحان و از اهالی اسرائیل برای زیارت آن مقام مقدس می آیند.))

سپس ترجمه مقاله ای را نقل نموده که در آن شمه ای از وقایع تاریخی دیانت بهائی را شرح داده است. آنگاه ترجمه مقاله ای را که اکتبر ۱۹۱۵ در روزنامه یومیه JERUSALEM POST با عکس مقام اعلی درج نموده مشروحاً نوشته است،

قسمت هائی از آن مقاله که اکثراً درست نوشته نقل می شود:

((اکمال ساختمان بقعه بهائی در سال مقدس برای پیروان آئین بهائی که عددشان در سراسر عالم به سه میلیون بالغ و در ۱۶۵ اقلیم مقیمند (۱)، سال مقدسی که در ۱۵ اکتبر ۱۹۵۳ آغاز شده بود و دیروز خاتمه یافت سال مزبور صدمین سال ظهور حوادث و وقایعی است که بین سال های ۱۸۵۲ - ۱۸۵۳ در ایران اتفاق افتاده و در نظر بهائیان بدایت ظهور دیانت بهائی محسوب است ...))

حضرت بهاءالله از جمله نفوسی است که در سال ۱۸۵۲ در واقعه سوء قصد به شاه اسیر و زندانی شد و در زندان احساس نمود که مهبط وحی الهی است و ظهوری که باب بدان اخبار نموده امر اوست و باید عصر صلح و راستی را که مقصد اعلان عموم شرایع ساله الهیه بوده افتتاح نماید، و کور جدیدی را در تاریخ روحانی عالم انسانی تأسیس نماید ...))

حضرت بهاءالله اساس عقیده و اصول دیانت و حدود و احکام آئین خود را در متجاوز از صد مجلد اظهار فرموده است، توقیعاتی خطاب به سلاطین و امراء و پاپ و علمای اسلام و مسیحیت و سایر ادیان ارسال داشته است و قبل از صعود از این عالم اشاره فرمود که حضرت عبدالبهاء فرزند و وصی جلیش برای استقرار رمس حضرت باب در صنیع (صفح) جبل کرمل که از لحاظ ارتباط معنوی باب با ایلیای نبی متناسب بود اقدام نماید ...))

حضرت بهاءالله و در نتیجه اهل بها، کتب مقدسه ی عهد عتیق و جدید و قرآن را کتب آسمانی می دانند و معتقدند که حضرت بهاءالله برای تجدید روح حقایق اصلیه مندمجه در این کتب مقدسه مبعوث گشته، تا مسائل و مشکلات حالیه را رفع کند و آلام و امراض حائله عصر جدید را درمان بخشد ...))

رمس حضرت باب را پس از شهادت مخفی کردند و قریب شصت سال مخفیانه از محلی به محل دیگر انتقال می دادند تا در سال ۱۸۹۹ همان طور که حضرت بهاءالله اراده فرموده بودند به دست حضرت عبدالبهاء در کوه کرمل استقرار یافت. اکنون در نظر است که حدائق اطراف توسعه داده شود و حضرت شوقی ربائی رئیس فعلی امر بهائی برای این منظوری و دو نام از اراضی واقعه در جبل کرمل را که بین REHOV PANOVAMA MOUNTAIN ROAD است و به مالکین خصوصی تعلق دارد اکتیاع فرموده اند. بهائیان از صندوق تبرعات خود که جزء اعظم آن در ایالات متحده امریکا تقدیم شده است، و بر خلاف سایر ادیان از غیر بهائی و دولت اعانه دریافت نمی دارند، فقط اعانات پیروان خود را می پذیرند. باغ های بهائی بر وجه عموم مفتوح است. نفوسی که برای استفاده از صلح و صفای این مکان مقدس به این نزهتگاه وارد شوند مورد تهنیت و خوش آمدند. (۲)

۱- طبق آمار ۲۰۰۵-۲۰۰۶ ENCYCLOPEDIA BRITANICA - بیش از پنج میلیون بهائی در جهان وجود دارد که در ۱۷۹ کشور و در ۱۱۹۴۴۵ نقطه دنیا ساکن اند. ۲- مجله (اخبار امری) ارگان رسمی محفل ملی بهائیان ایران شماره ۶ و ۷ مهر و آبان ۱۳۳۲.

چون در روزنامه حقیقت را نوشته اند و در رادیو حقیقت را می گویند نوشته است: قصد آنان تبلیغ دیانت بهائی می باشد. بطور معلوم به عقیده ردیه نویسان مقالات روزنامه باید با دروغ و تهمت آمیخته باشد تا آنها پسندند. در صفحه ۵۹۸ نوشته است:

((بخش دوم پایه ریزی تشکیلات و سازمان های نوماسونی))

و در زیر آن تصویری از نبیل الدوله و خانواده و چند نفر دیگر را قرار داده است. اما هیچ ربطی نوشته و عکس با هم ندارد. در صفحات ۵۹۹ تا ۶۱۲ درباره نقشه ده ساله نوشته است:

((شوقی افندی سومین رهبر بهائیان در دوران حیاتش برای تداوم و بقای بهائیت دست به طرح تأسیس تشکیلاتی بنام (بیت العدل) زد و چون می دانست که بعد از وی باید این تشکیلات را شخص مطمئنی اداره کند (میس ریملی) را که درباره او سخن خواهد رفت مأمور اجرای اهداف طرح و نقشه ای نمود که به نقشه ده ساله معروف شده.))

پاسخ

اولاً - طرح و تأسیس بیت العدل را حضرت بهاء الله در کتاب اقدس بیان فرموده اند و شوقی ربّانی مجری آن بوده اند نه طراح و موسس آن. ثانیاً - هدف نقشه ده ساله برای پیشرفت امر الهی در سراسر جهان بوده زیرا دیانت بهائی امری است جهانی و بر وحدت عالم انسانی و صلح عمومی دلالت دارد و اتحاد من علی الارض را تبلیغ می کند تا بشارت آیه شریفه: ((لِيُظْهِرَهُ عَلِي الدّينِ كَلِمَةً)) تحقق یابد که قبلاً درباره این آیه توضیح داده شده است.

در صفحه ۶۰۵ از سرهنگ بازنشسته راسخ مطالبی راجع به صعود شوقی ربّانی نقل نموده که به صحّت آنها اعتماد نیست. زیرا که او به علّت انحرافات فکری از دیانت بهائی طرد شده و به عیب جوئی پرداخته و از حقیقت دور افتاده است. ۲۸ طرح و اهداف نقشه ده ساله را در چند صفحه ذکر نموده است که همه دلالت بر آن دارد که هدف جامعه بهائی جهانی است و نظم و تعالیمش برای عالم انسانی، نه محلی و ملی.

تشکیلات نو ماسونی و اسماعیلیه

در صفحات ۶۱۳ تا ۶۳۶ بخش سوم ردیه نویس با عنوان:

((گسترش سازمان اداری و تشکیلات نوماسونی تحت پوشش (بیت العدل))

بجای اینکه خود تحقیق کند و کتاب ها و عقاید و تعالیم بهائیان را بخواند تا گفتارش سندیت داشته باشد، از نوشته دکتر یوسف فضائی که مخالف دیانت بهائی بوده و تحقیقش دقیق نیست نقل نموده و نوشته است:

((فون هامر VUN HAMMER نویسنده کتاب اسماعیلیه ۰۰۰ می نویسد: مراتب سه گانه در سازمان بنایان آزاد، مشتمل است بر اساتید - بنایان و شاگردان این حرفه و جوانان (مبتدی) ۰ (فون هامر) رُعب و وحشتی را که فرقه صباّحیان و اسماعیلیه در مدّت یک قرن و نیم در سراسر ایران، عراق و شام بوجود آورده بودند تشبیه به عملیات فراماسون ها در انقلاب کبیر فرانسه نموده ۰۰۰)) (۱) ۰

آنگاه نوشته است مقایسه شود:

سازمان و تشکیلات مذهبی آئین بهائی، مانندگی زیادی به سازمان و تشکیلات دین مسیح و درجات روحانی آن نیز شباهت بسیار نزدیکی به درجات روحانی مذهب اسماعیلیه دارد ۰۰۰ درجات داعیان و وظائف هر کدام آنان در بهائیت نیز مانندگی به درجات اسماعیلیه دارد ۰)) (۲)

پس از گفتار دکتر یوسف فضائی، ایشان چنین نتیجه گرفته و نوشته است:

((در چنین تشکیلاتی فردی مانند (استاد بزرگ) یا (پاپ) در رأس و افراد دیگر مانند کشیشان، یا (احباً) در رأس (بیت العدل) صغیر (یا مانند مسیحیان کلیسا) در شهرهائی اند که از اهمیت کمتری برخوردارند ۰ مبلغان و داعیان، از نظر اهمیت و مقام، مانند فراماسونری یا اسماعیلیه، پیرو دستورات و مقررات خاصی اند و هر فرد مبلغ ناگزیر از اطاعت اوامر فرد یا افراد در درجات بالاتر از خود می باشد ۰ طبق همین انتظامات بعد از (شوقی افندی) که جانشینی به علت فقدان فرزند، نداشته، سازمان و تشکیلات بهائیکری زیر نظر ایادی بیت العدل اعظم اداره می شود ۰))

۱- فراموش خانه و فراماسونری در ایران جلد یک صفحه ۲۴۱ ۲- دکتر یوسف فضائی، تحقیق در تاریخ عقائلی (بهائی) ۱

پاسخ - اولاً، طبق اصول و نوشته های دیانت بهائی، شریعت مستقل بهائی هیچ شباهتی نه با مذهب اسماعیلیه که شعبه ای از هفتاد و اند فرقه و مذهب اسلام است دارد و نه هیچ وجه تشابهی با گروه فراماسونری دارد که ساخته و پرداخته بشر است و برای مقاصد سیاسی تشکیل یافته است.

ثانیاً - در دیانت بهائی ریاست فردی و پیشوائی حذف شده و محافل روحانی و بیت العدل که به ظاهر بر جامعه فرمانروائی دارند، منتخب جامعه اند که هر سال با رأی مخفی انتخاب می شوند و طبق اصول و احکام دیانت بهائی جامعه را هدایت و حمایت و خدمت می کنند. در حقیقت خادمند نه حاکم.

آنگاه برای اینکه (ردیه نویس) سخن خود را مستند کند آیه مربوط به بیت العدل را از کتاب اقدس نقل نموده است، اما نه اصل عربی آن را بلکه ترجمه ای نادرست به فارسی که معلوم می شود مطلب را نفهمیده یا دقت در صحت آن نکرده است.

اصل آیه این است:

((قَدْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ مَدِينَةٍ أَنْ يَجْعَلُوا فِيهَا بَيْتَ الْعَدْلِ وَيَجْتَمِعَ فِيهِ النُّفُوسُ عَلَىٰ عَدَدِ الْبَهَا وَ أَنْ يَزِدُوا لِابْأَسْ وَ يَرُونَ كَأَنَّهُمْ يَدْخُلُونَ مَحْضَرَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى وَ يَرُونَ مَنْ لَا يُرَى وَ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَكُونَ أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ بَيْنَ الْإِمْكَانِ وَ وَكَأَلَاءِ اللَّهِ لِمَنْ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّهَا وَ يَشَاوِرُ وَاقِيَ مَصَالِحِ الْعِبَادِ لِوَجْهِ اللَّهِ كَمَا يَشَاوِرُونَ فِي أُمُورِهِمْ وَ يَخْتَارُوا مَا هُوَ الْمُخْتَارُ كَذَلِكَ حَكَمَ رَبُّكُمْ الْعَزِيزُ الْمُخْتَارُ)) (۱)

مضمون بیان: خداوند واجب کرده که در هر شهری یک بیت العدل قرار بدهند به تعداد عدد بها (یعنی، نه نفر) و اگر زیادتر شد اهمیتی ندارد (به مقتضای زمان و مکان) و آنان وقتی که در آن محل حضور یافتند، فرض کنند که در محضر الهی می باشند و می بینند ذات مقدسی را که دیده نمی شود. و امناء رحمان در بین مردم

باشند و برای خاطر خدا در مصالح عباد و امور آنان مشورت کنند همانگونه که در امور خود مشورت می کنند و آنچه پسندیده است اختیار کنند^۰ اینچنین حکم کرد پروردگارتان که عزیز و مختار است^۰

بخش دوم صفحات ۵۹۸ تا ۶۱۷ با عنوان: ((پایه ریزی تشکیلات و سازمان های نوماسونی)) مطالبی پراکنده نقل نموده که با اغلاطی فراوان توأم است بعضی از آن اغلاط را در صفحات قبل تذکر داده ام، اگر به کتب و آیات و تشکیلات بهائی به دقت توجه شود مشاهده خواهد شد که دیانت بهائی هیچ ارتباطی با هیچ گروه سیاسی مانند نوماسونی یا فراماسونری یا گروه سیاسی دیگر ندارد^۰ در بخش سوم صفحه ۶۱۳ نوشته است:

((گسترش سازمان اداری و تشکیلات نوماسونی پوشش (بیت العدل)))^۰

و درباره این صفحه، صفحه اول و آخر کتاب ((رساله سیاسیّه)) حضرت عبدالبهاء را کپی و نقل نموده است^۰

پاسخ - ای کاش همه این کتاب را نقل می کرد که خوانندگان محترم، خود در امور قضاوت کنند و تحت تأثیر اندیشه های نادرست مخالفین و اهل غرض و کینه قرار نگیرند^۰ برای نمونه ذکر می شود:

دخالت علما در سیاست

حضرت عبدالبهاء در رساله سیاسیّه با دلائلی روشن فرموده اند که دین باید از سیاست جدا باشد، و هر زمان که پیشوایان دین در سیاست دخالت کردند جز زیان برای دولت و ملت حاصل نیاورد^۰ از جمله می فرمایند:

((وظیفه علماء و فریضه فقها، مواظبت امور روحانیه و ترویج شئون رحمانیه است و هر وقت علمای دین مبین و ارکان شرع متین در عالم سیاسی مداخلی جستند و رائی زدند و تدبیری نمودند، تشنیت شمل موحدین شد و تفریق جمع مومنین گشت. نائره فساد برافروخت و نیران عناد جهانی را بسوخت^۰ مملکت تاراج و تالان شد و رعیت اسیر و دستگیر عوانان^۰ در اواخر ملوک صفویه ۰۰۰ ممالک محروسه

جولانگاه قبائل ترکمان گشت و میدان استیلاء افغان ، خاک مبارک ایران مسخر اُمم مجاور گردید و اقلیم جلیل در دست بیگانه افتاد ۰۰۰» (۱)

در این قسمت راجع به بیت العدل مطالبی نوشته که نشان می دهد اطلاع صحیح در این موضوع ندارد ، از یک طرف می گوید:

((شبیه تشکیلات اسماعیلیه است و از یک طرف شبیه مسیحیان یا فراماسونی که در تحت فرمان یک فرد بالاترند.))

در صورتیکه دیانت بهائی شبیه هیچیک از احزاب یا فرقه ها نیست ، و فرد ، دیگر در جامعه بهائی فرمانروائی ندارد ، هدایت جامعه بوسیله گروه منتخب مردم است ، یعنی بیت العدل اعظم یا بیت العدل محلی که فعلاً بنام محفل روحانی موسوم است .

در صفحه ۶۱۷ نوشته است:

((بهائیان تا می توانند نام دین خود را پنهان میدارند و کیش خود را مخفی می کنند مگر در مواقعی که مصلحت ایجاب کند تا خود را معرفی نمایند ، از این رو میان بهائیان رموز و اصطلاحاتی رایج است که در میان دیگران با آن اصطلاحات سخن می گویند ، مقایسه کنید یک - عضو فراماسونری به وسیله حرکت دست ها می تواند خیلی از چیزها را به فراماسون دیگر بگوید.))

آنگاه نقش نگین اسم اعظم را که بهائیان در انگشتری حک می کنند انداخته و زیر آن نوشته است (مهر رمز: مقطع اسم بهاء) (نقش نگین اسم اعظم و توضیح در باره آن در صفحات قبل داده شده است)

پاسخ

اولاً- بهائیان دین خود را پنهان نمی کنند و کتمان عقیده برایشان ممنوع است ، یعنی حکم تقیه که در مذهب شیعه یا مذاهب دیگر رائج و جاری و جائز است ، بهائی آنرا نوعی از دروغ می داند ، چنانچه عملاً نشان دادند که شهدای بهائی اگر تقیه می کردند

و دروغ می گفتند، شهید نمی شدند، شهادت را بر دروغ ترجیح دادند، معتقد بودند که:

گر راست سخن گوئی و در بند بمانی به زانکه دروغت دهد از بند رهائی (۱)

در قسمتی، از کتاب اقدس راجع به بیت العدل، ترجمه ای نادرست نوشته است، اگر اصل را می نوشت بهتر از ترجمه غلط بود.
ثانیاً - در دیانت بهائی رمز و سرّی پنهانی وجود ندارد و همه چیز آشکار است و با اختراع اینترنت همه کتب و آثار بهائی در آن به خوبی در معرض نمایش جهانیان به زبان های مختلف قرار گرفته و دیگر سدّی که جلو انتشار کتاب های بهائی را گرفته بود به وسیله اینترنت شکسته شد و در این باره ملاحظه فرمائید چگونه قلم اعلاّی حضرت بهاء الله آنرا پیش بینی فرموده اند می فرمایند:

((اليوم مقامات عنایت الهی مستور است، چه که عرصه وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد و لکن)) سوف یظهر امرأ من عند ه، انه لا تُضعفه قوة الجنود ولا سطوة الملوك ینطق بالحق و یدع الکل الی الفرد الخبیر (((۲) جمیع برای اصلاح عالم خلق شده اند، لعمر الله شئونات درنده های ارض لایق انسان نبوده و نیست شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود، بگو: ای دوستان این کوثر اصفی از اصبع عنایت مالک اسماء جاری، بنوشید و به اسمش بنوشانید تا اولیاء ارض به یقین مبین بدانند که حق از برای چه آمده و ایشان از برای چه خلق شده اند؟ (۳)

اسماعیل راین که دشمنی او با دیانت بهائی آشکار است در کتابی که درباره سازمان فراماسونری ایران منتشر نموده است و نام و نشان همه اعضای فراماسون های ایران را افشا نموده است، در آن کتاب نامی از بهائی حتی یک نفر نیامده است، اگر بود یقیناً ذکر می کرد.

۱- سعدی علیه الرحمه ۲- مضمون فارسی: بزودی امری از نزد او ظاهر گردد که لشکریان جهان و قدرت شاهان او را ناتوان نتوانند نمود و به حق سخن گوید و جمیع را به خدای یگانه و دانا می خواند (اکنون بوسیله رادیو و کامپیوتر کتب بهائی منتشر شده و تبلیغ می شود و کسی مانع نتواند شد).
۳- منتخباتی از آثار شماره ۱۰۹ ص ۱۳۹